

مدیر کل

جلال الدین الحسینی مؤید الاسلام
 صاحب امتیاز روزنامه هفتگی
 و یومیه (جبل المتین)
 (عنوان مراسلات)
 طهران خیابان لاله زار
 نائب مدیر میرزا سید حسن کاهانی
 دبیر اداره آقا شیخ یحیی کاهانی
 میراث روزهای جمعه همه روز
 طبع و توزیع میشود

یومیه

جبل المتین

۱۳۱۱

طهران

قیمت اشتراك سالیانه

طهران ۳۰ فران
 سایر بلاد داخله ۳۵ فران
 روسیه و قفقاز ۱۰ سنت
 سایر ممالک خارجه ۳۰ فرانک
 (قیمت يك نسخه)
 در طهران صد دینار
 سایر بلاد ایران سه شاهی است

قیمت اعلان مطری

دو قران است

روزنامه یومیه ملی آزاد سیاسی اخباری تجاری علمی ادبی مقالات عام المنفعه
 با امضا قبول و در انتشارش اداره آزاد است

یک شنبه ۱۲ رمضان المبارک ۳۲۵ هجری قمری و ۳ ابانماه جلالی ۸۲۹ و ۱۲۱ کتبر ۱۹۰۷ میلادی

(والعه غیر مترقبه)

شب گذشته که تقاطر باران آسمان مرا از حرکت کردن و باین سو و آن سو دویدن و اخبار راست و دروغ بدست آوردن و برای درج بروزنامه دادن مانع بود و عرصه خیال ازین رهگذر جولان در پهنای میدان فکر میکرد و هر دم از شرق تا غرب را بیک تکبو در نور دیده باز بمحل اولیه خود مراجعت میکرد ساعتی در حالت خلسه بودم و عنان خاطر بدست قوم فکر و خیال سپرده خود را فارغ و آسوده کرده وارغم دوجهان قلندر وار وارسته که زنگ در را بهول انداخت و بقول درویشان (چرتم را پاره کرد) بپراختیار بر جستم و بسوی در دویدم هنوز نرسیده که مجدد بشدت هر چه بیشتر صدای زنگ در فضا خانه پیچید - راستی من از این حدت ترسیدم و چون کاشی هستم فوق العاده و اهمه کردم ساعت را دیدم پنج و نیم از شب گذشته و وقت آندورفت منقضی گردیده - حدایا در این شب نار و نرول انظار کیت که بسراغ من بینوا آمده و اینطور عاطفت و شدت دارد که بک بک نزد یک است. گوش همسایکان را کر کند یا از این تندی و تمخی جگر فلک را آب نماید اگر یکبار دیگر خدا بخواسته باز این صدا بلند شود منکه زهره ام تمام کشته فجاء خواهم کرد - در اینجا پیام از رفتن ایستاد دلم سخت طپیدن گرفت خون متصل بقلب ریخته و بلند میشود دستم لرزشی بر آوازه از آن آوازه گرفته در دریای وهم غوطه ور شدم در بکنایه صد هزار فکر کردم وقتی میگویم امروز من سه هروب بخانه آمده و اکنون ساعت پنج و نیم است شاید در این فاصله هشت ساعت و نیم دولت ایران از مشروطه استعفاء کرده و روش استقلال و استبداد پیشنهاد نموده امیت جانی و مالی را که یکی از مواد اصلی قانون

اساسی و کنستی توسیون است برداشته و در عوض آقا بالاخان سردار اعظم را وزیر ظمیه نموده اند و این شخص که یکمرتبه دیگر باموکوین عذاب مثل بلای میرم بدریخته من آمده مرا گرفتار نموده دو سال متجاوزم در اردبیل مجبوس و اسیر ساختند باز برای مسامحتی مسایه موگر به پراق کرده یا مگر سهوا بول و پینه ثی در تره من کمان کرده و اینهمه دوز و کک چیده - ای وای که اگر در را بگشایم در دست اینظالم بیمرور گرفتار و در مجلس سالیانه دراز انیس مور و مار خراهم بود راه نجاتم مسدود و اینم زنده کانی ام معدرد کشته - راستی ایندغه مثل آندغه ها نیست نشنیدی یارو گفته بود اگر فلانی را بواجبی میشناختم مزدشرا دستش داده و خود را از شرش آموده میکردم و دوباره زیر حجامت قلمش نمیافتم ، اصلش هر کس در خط روزنامه نویسی افتاد کهنه فلاش میشود فضولی زیاد میکند قدری هم بیبک و تترس واقع گردیده هر نام مربوط که سر زمان و جا و قلمش میاید سرهم مییافتد ملاحظه حضرت اهری و جناب اجل و نواب والا و سرکار شریعتمدار را نگرده هی پشت سرهم بنویسد و ربط و یابس سرهم میریزد بله قتلشان واجب و مطلوب هر طالب است خوب! کر خدای نگرده استغفر لله استغفر الله چنین مطالبی باشد باید از دیوار بدیوار خانه همسایه فرار کرد بلکه مثل موش از سوراخها در رفت استبداد است شرخی نیست مغز سر آدم را با قنداق تفنگ دامون میکنند منکه بکدغه این زهر ناگوار را چشیده و تلخیشرا دیده ام ، خیر فرار فایده ندارد زیر قبه فلک هر کجا آدم برود بیدایش میکنند و پوست از سرش میکشند ، از شکم نهنگ و کام پلنگ بیرون میاورند !! این چه

وزارت عدلیه و مجلس شوری داد میزنند و آصف الدوله را به معاکمه میگیرند — چه فائده دارد کار که سخت شد مشروطه طلب میشود و کتاهانش میریزد راهها را هم باو سپرده شانش هم خیلی زیادتر میشود (بقیه دارد)

خلاصه مذاکرات مجلس دار الشوری

پنجشنبه ۹ رمضان

بعضی از وکلا اظهار داشتند زمانیکه فرما فرما وزارت عدلیه را دامت مبلغ سی و پنج هزار تومان از حقوق عدلیه را گرفت و چند دفعه هم اظهار کردن جمله از آن اشخاص که مبلغ معتنا به باید بدهند جناب سمدالدوله است که طلبی از منزل ملک داشت وصول کرد چرا باید این اشخاص حق عدلیه را که حق ملت است ندهند گفته شد که باید پس از تحقیق و اخطار بعدلیه گرفته شود شروع بقانون انطباعات عد چندماده قرائت و تصحیح عد مذاکرات و میباحثات لازم بعمل آمد بواسطه اطالاه مذاکرات در هر ماده گفته شد که چون توقیف روز نامه صور اسرافیل موقوفی باتمام قانون انطباعات شده باین مذاکرات زیاد در هر ماده وصول آن دور نیست که در حق صاحب آن ظلمی واقع شود خوبست امروز مین شود که تا چند مدت باید توقیف باشد زیرا که انعام قاون انطباعات وقت مضبوط ندارد جناب رئیس اظهار داشتند که انوقت وزارت علوم مین نبود حال که مین شد رجوع بانجا میشود هرطوریکه صلاح دانست همان نحو رفتار شود بعد از آن اظهار کردند که دو مطلب است باید اهل مجلس ملتفت و مسبوق باشند یکی اینکه از بابت دادن حقوق این ضعفا و بیوه زنها و بیچارها هر يك از شاهزادگان و امرا و غیرهم آمدند يك پولی دادند و بتوسط حاجی امین الضرب مصاحبان حقوق داده میشود شاهزاده ظل السلطان و نایب السلطان چیزی ندادند باینکه ایشان سزاوار تر بدان وجه هستند از دیگران و شاهزاده ناصرالدین میرزا هم قرار عد فردا بدهند شاهزاده شماع السلطان کت پول ندارم شصت هزار تومان جواهرات در بانک ککرو دوازده هزار تومان است دوازده هزار تومان را ملت بدهند آن ککرو را بگیرند باقی را هم بیانک بدهند و اظهار این مطلب در این مجلس بای این است که بشاهزادگان مظلم الیهما برسانند که باید پولی داده شود و الا بهر راهی که باشد امکان گرفتن هست و خواهیم گرفت مطلب دیگر دریاب سرحدات که عثمانی از طرف ساوجبلاغ هم بنای قتل و هارت را گذاشته سردشت و جاهای دیگر را هم تصرف کرده

خاک بر سر کتم؟ میدوم میروم پیش اقبال السلطان ما کوئی حکه دست فلک بدامانثی نمیرسد و دولت حر پیش نمیشود. ای با دولت چطور از اینمرد که پفیوز کمتر است با کدام اسلحه با کدام تفنگ و فشنگ باچتوب و نوچی با کدام لشکر و چه حصن حصین با دولت دعوی و برا بری میکند؟ پس شنیده ام دستگاه سلطنت دارد میزند میبندد میگردد هزار جور بلا سر اهل خوی و ما کو و توابع میاورد حکم دولت را اطاعت نمیکند سر حد دار است ملاحظه از او دارند چند ایلا دور خود جمع میکند و مال مردم را با آنها قسمت مینماید — خیلی خوب میرویم بما کو و دست بدان اقبال السلطنه میشود. مصمم اینکار عدم یکدفعه یاد آمدیم یک تلگرافی در روزنامه آنجنم تیریز خوانده ام از مفاد آن تلگرافی چنین بر میآید که اقبال السلطنه محرک دارد با استبداد بیان همدست و بدستورشان پایست است. پس یک تلگرافی خواهند کرد باو که (اینهم از آنها است) فوراً مرا دهه توپ خواهد گذاشت یا کت بسته بانبارم خواهد فرستاد — خیر اینکه نش خوب است بروم تم در آستانه متبرکه متحصن شوم، این بد خیالی نیست اما متولی باشی تم هم مستبد است شب میفرستند آدمرا خفه میکنند و شهرت میدهند و با گرفت و مرد آنوقت اسباب خوی مردم میشود و هزار مسلمان را بواهمه میافکنم مثل اینکه یارو شهرت داد در آستارا و باست که کار خود را صورت بدهد شاید هم میگویند عرض خلافی کرده بود حضرت اورا مردود فرمود دیگر بدنامی هم باید داشته باشم مثل اینکه صد نفر را گرفته سر بریدند که بایی هستند و حال آنکه هر کدام از آنها صدها مثل باب و بهارا نوکر خود نمیدانستند برادر مردم رندند عنوانها روی آدم میگذارند که کسی هم جرئت حرف زدن و توسط کردن نمیکند خوب میروم در حرم مطهر حضرت عبد المظلم اینجا محل امن و امان است جای خوب و مکن مرغوبی است اما چکنم که استبداد بی پر هرات رنگ دارد قشها بر آب میزند و نصف شب مثل مرحوم فیلسوف اسلام آقا سید جمال الدین افغانی سوار های کشیکخانه و پلیس و ژاندارم شمر و ارسرم میریزند و کشان کشان میروند باورند یک نهمت هم بادم می بندند که ختان نکرده است و از منی است — نقلی ندارد بمشهد مقدس و آستان امام رضا دست توسل میزنم اینجا دیگر جای هیچ صحبت نیست اما میفرسم هر راه شاه سونها بگیرند و مرده بفرستند ۱ نه منگه دختر های قوچانی و بختور می نیستم اخدا پدوت را بیامزد تا بگوئی من ده و بیستان ترا عوض دختر فروخته و پولش هم بیانک رسیده است — گمان میروند در

محض ایکه وکلا مسبوق باشند اظهار عد و وزیر داخله در باب امورات سرحدی مشروحه مفصلی نوشته است که موافق خواندن آن نیست نتیجه این است که پوز لازم است برای راه انداختن مامور و سایر ترتیبات (مجلس ختم عد) (مکتوب از رشت)

وضع شهر بالنسبه بسابق بهتر است اهالی یواش یواش مشغول کارهای شخصی خودشان هستند حکومت مجلسی ترتیب داده در تحت ریاست میزرا نور الله خان وزیر مالیه بکارهای مردم رسیدگی میکند ولی باز نه ترتیبی است که دل انسان ساکت بشود اما چون قانون نیست بهتر از این هم قدری مشکل است هفته چهار روز در انجمن ملی نشسته مشغول ترتیبات شهر هستند و در واقع خلاف معمول عامه وقع شده است و خیلی کارهای عمیق که هیچکس را در خاطر نه اقدامات مجدانه کردند اند من جمله ترتیب خوشی برای ترقی معارف رئیس گرفته اند از حضرات تجار اعم از داخله و خارجه سند گرفته اند که هر یک من پیله خشک که از گمرک اتزلی رد میشود نه شاهی برسبل اعانه معارف بخود گمرک پردازند که گمرک سالبانه از دفاتر گمرک هر چه راجع باعانه باشد بدهد با انجمن معارف و در خیال هستند که انجمنی تشکیل بدهند و امشتر با انجمن معارف گذاشته و این وجه بصوبه ان انجمن و با متحضار انجمن ملی برای مدارس مصری بشود و بناها برای مدارس درست بکنند و حالا باز در فکر این هستند دوسه محل دیگر فراهم بکنند مذاکره دارند و مشغولند برای ترتیب برنج که بهر قوتی برنج که پنج من شاه است از تجار امضا بگیرند که در بندر گمرک از هر قوتی یکشاهی بدهند نام اعانه معارف این دو محل سالی علاوه از هفده هزار تومان میشود و ممکن است باین دو محل شش مدرسه بطرز جدید تاسیس بکنند که فقراء ابناء وطن معانی و اغنیاء هم به ترتیب مخصوص تحصیل علم که اولین وسیله ترقی است بکنند میان ارباب ملک و رعیت قرار داد صحیحی داده اند که از آن قرار داد هیچکس حق تخلفی و تجاوز نداشته باشند من جمله از قرار دادها که بخود و کلای انجمن ضرر گلی و فاحش داشت و قانون کردند این است که پنج قوتی برنج در بست و پنج من شاه از رعیت ال الاجاره بگیرند و حال آنکه سابق همین پنج قوتی را از ۳۶ من شاه الی ۳۳ من شاه از رعایای گرفتند و رعایا را با جبار در سر ملک خود نگاه میداشتند قرار برای دره که و در شکه چیها داده اند که مالیات در شکه باید مصرف خیابانهای شهر بشود و محل اقامت در پنج جای شهر معین کرده اند و قیمت معین برای هر جا قرار داده اند قرائن خانه ملی که آقا میرزا اولی القاسم

خان تاسیس کرده بودند اقدامات از طرف انجمن ملی شد که موقوفی نشود مخصوصا آقای حاجی شریتمدار و آقای حاجی سید محمود آقادر کمال مجاهدت مشغول کارهای نوعی هستند که اگر در واقع باین شکل مشغول از اول می شدند فعلا مملکت چه قدر آباد شده بود امیدواریم تا آخر همانطور اقدامات مجدانه و بذل توجهی بفرمایند بلکه اهالی از هر انجمن های دهات خلاص بشوند که هر دو برای خودش انجمنی و مجاهدی درست کرده حرف هیچکس را قبول نمیکردند و رشته داد و ستد و زراعت تمام گسیخته می شد

(راپورت از همدان)

عمل انتخاب وکلای انجمن بلدی همدان موافق قانون انجمن ولایتی مرتب شده از روز جمعه ۲۷ رجب الی سه شنبه ۸ شعبان نظار انتخاب مشغول دادن ترفه و گرفتن رای بودند در موقع شماره اوراق ظهیر حضور بشخصه اوراق را از صندوق بیرون آورده و بصدی بلند میسرمد که بیدها اختلاقی روی نهد

از جمله اشخاصیکه در واقع خالصانه خدمت بحالم انسانیت میکنند جناب آقا شیخ محمد باقر مجتهد است که در امانت و دیانتش حرفی نمی رود و دیگر از خدمتگذاران ملت که بدون غرض و مرض شب و روزشان مصروف خدمات داشته محمد اسمعیل و حاجی ابراهیم میسافند ترتیب انجمنی هم داده اند موسوم به (ارشاد) حاح

(مکتوب)

مدیر جریده مقدسه حبل المتین

مدتی است که شب و روز خود را بخواندن روزنامه جات مقدسه و شنیدن فرمایشات مجلس محترم شورای ملی شیدالله ارکانه صرف نموده و دل خوش کرده که بحمدالله مساوات آمد ظلم گذشت غنی و فقیر در مقابل حکم خداوندی یکسان شدند و فرق بین منعم و درویش نمیکذارند و روزنا مجبات را برای دلسوختگان که ابلک و اموالشانرا ظلام بنف و جور ضبط کرده اند فرستادم مرده دادم و نوشتم

(مرده ایدل که مسیحی نفسی مر آید)

مظفر عدل الهی انتقام می کشد و دمار از روزگار ظالمان بیرون می آورد آیدل مظلوم سکار خود را میکند بعضی از آن ستم دیده کان با ذوق تمام بجره عدل را پوبا و آن دار الاسان را جو یا هستند و نمیباید بنده را کاذب مبیندارند میگویند که هما نوشتید مساوات آمد ظلم رخت خود را بدار فنا کشید پس بجا هستند آن داد رسندگان و چجا هستند آن انتقام کننده کان هنوز ظلم ظالمین در

ترايد است وبنجه مستبدین در فشار دل مظلومین بحال خودبانی هنوز دست تعدیشان در زدن جزئی ملك و مال که باقی مانده در اتر است و دامن مروشان کوتاه نراید دل کجائی که توراجون جان شیرین در بر کشم وای مساوات چه جائی که توراید مویدمانه ام را بریزنماید ای خدا مگر مانده تونستیم ای پرور دکا امحا کم عا به کی منظم خواهد شده بود مظلومین برسد ای خدا زندگی بس است ای الله حلاوت مژگ چه خوب است که طاقتمان طاق شده است
امضاء محفوظ

(مکتوب از شانگهای چین)

حضور مبارک . . . مدیر جبل المتین سابق بر این در صفحات نامجات مقدس شرحی در باب منع تریاک و صدور دستخط از اعلیحضرت امیراطور با کبیاست چین برض رسائیدم و تمام اهل چین هم ای طریقی که نجات برادران خود را دانستند با اجرای امر امیراطوری قیام نمودند تا اینکه قرار شد تریاک را الی مدت ده سال که تریاک مبتلا هستند خورد خورد ترک نمایند و این برای منع از تاریخ ۲۲ ماه جون میلادی و ده که بعضی منظر آشوب داخله بودند ولی بحمد الله از ذکارت و تمدن عرقی صدای احدی بیرون نیامد و در ۲۲ ماه مذکور با امیراطوری تمام شیره حانها و شیره فروشها بند گردید ضرر و مخارجت لازمه را دولت متحمل و از خزینه داد و رحت فرزندان مجاری را منظر دامت و جلو تریاک را از آن تاریخ گرفت و تریاک اکنون بسست امنای پاک دل امانت دار دولت میباشد و امر شده که تریاک از مدت چهل سال مبتلا به این داد هستند بمقداری که دولت معین کرده بگیرد و بکشد بزوعی که الی نه سال دیگر زراعت آن مفقود الاثر گردد ولی شرطی متین و حکمی عظیم صادر فرموده است این امیراطور بر عظمت که میفرمان گفت حق بزرگی بر سر تمام عالم گذرده است و حکم امیراطوری این است در تاریخ ۲۲ جون هر کس تازه آغاز استعمال تریاک نماید و بزدی تریاک بدست آرد و حکومت او را بگیرد در دهه دوم اول جرایم جریمه یکصد دالیر است در دهه بشرح مذکور هر کس دهه سوم بگیر حکومت آید فوری امر میشود که بترک واصلش دارند تا عبرت دیگران شود بلی ان فطرت طبیعی است که اهل شرق دانند که پس از صدور امر امیراطوری ما دو هزار نسیم و جهد بفرام آوردن دواء هستند که یک دهه ترک نمایند اگر چه بطبیعت درست نمی آید ترک تریاک بگذرد ولی نهجه باز غیرت و هم دردی و خیر خواهی ان ملت است

ای کاش برادران وطن ما بدون امر دولتی خود

اقدام در منع این عمل میشوم میگردند و این استعمال تریاک را بخاطر خواهی و حب وطن ترک میمهند که اهل اروپا بر ما فیه نزنند و بر اهل چین احسنت احسنت نکونند در واقع امروز ضرر بزرگی بدولت انگریز وارد آمد ولی بدولت ما چیزی نیست چون تمام تریاک ایران فقط دو هزار صندوقی بمستملکات ژاپون هر فارموسی میرود و ابدأ مرغوب چین نیست و شاید دولت ژاپون هم بزودی و بیاری خداوند امر منع صادر فرماید ضرر برعیت و برادران عزیز ما وارد نیاید بلکه برادران عزیز ما بزراعت دیگر مائل گردند و شما هم میلی صرف بیهوده و استعمال تریاک نکنید مخارجات تریاک را صرف اهل و عیال و پوشاک خوب و خوراک لذیذ نمائید دستتان برسد مدارس احداث کنید که برادران و خواهران وطن عزیز بسر پرستی شما ها دارای علم و هنر گردند که در آینده سر افتخار لذت کنیم گوئیم اول ملت پر عصمت ملت ایران و بیروان دین احمد بختارند

(خیر خواه وطن)

(اعلان)

(علم عکاسی جدید)

کتابی است مفصل که با کمال دقت با قرائت خیلی سهل تمام مطالب جدید و نو ظهور عکاسی را شرح میدهد تالیف کار نیک خان دالکیجیان هوا ساز روبروی تسکرانخانه مبارکه قیمت جدایی پنجاه دینار است اگر اروایات هم خواسته شود با جرت پست باید ارسال شود

(اعلان)

بم حضور مبارک آقایان و مشتریان عرضه دارند چون خیال مسافرت داریم اعیاء و اجناس مغازه را بقیمت مناسب میفروشیم

یک آب خانه در حسن آباد دوهزار و پانصد ذرع و دکانین تازه ساز روبروی دارالفنون فروخته میشود

پسران حاجی جوان شیروانی

(اعلان)

کتاب (مار او فرانسه و فارسی) (شمس طالع) (و نخست نامه) از ترجمه و تالیفات مانده روس خان ملک یالس در کتابخانه تربیت در مطبعه روس و در کتابخانههای متبر دار الخلافه برای فروش موجود است

(اعلان)

د کتر استپانیا حکیم مخصوص دندان سازی اعلیحضرت همایونی در خیابان علاء الدوله روبروی خانه امیرنظام کارخانه دندان سازی خیلی ممتاز و مکمل باز نموده و قبول می نماید همه جور ناخوشیهای دندان را معالجه نماید بطرز رسیده امریکائی و هم روز صبح ز ساعت هشت الی دوازده درنگی و بعد از ظهر از ساعت دو الی شش فرنگی در محل معروض برای رجوع کنندگان حاضر است

(حسن الحسینی الکاشانی)